

رابطه بین آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان زلزله‌زده^۱

مختار امیریان*

*نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: m_amirian@pcoiran.com

پذیرش مقاله: ۸۹/۶/۱۴

وصول مقاله: ۸۹/۵/۱۲

چکیده

مقدمه: خودکارآمدپنداری یکی از متغیرهای روان‌شناختی مهم در زندگی فردی و اجتماعی است. خودکارآمدپنداری به این معنی است که فرد ضمن شناخت و آگاهی از توان و ظرفیت خود، به شایستگی و احساس کارایی خود در برخورد مؤثر با چالش‌ها، ضروریات و فرصت‌های محیطی و اعمال کنترل بر رویدادها، باور و اعتقاد داشته باشد. با توجه به اهداف پژوهش حاضر، خودکارآمدپنداری در موقعیت آسیب‌دیدگی روانی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان رابطه میان آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان زلزله‌زده بم می‌باشد که در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۲۹ به راهنمایی سرکار خانم دکتر مرتضوی استاد دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.

روش‌ها: در این پژوهش برای ارزیابی خودکارآمدپنداری از پرسشنامه خودکارآمدپنداری بندورا و برای ارزیابی آسیب‌دیدگی روانی از پرسشنامه SCL-90-R دراگویتس (۱) استفاده شده است. حجم نمونه ۳۵۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی مدارس شهرستان زلزله‌زده بم در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳ بوده است که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. تحقیق از نوع همبستگی و مقایسه‌ای بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که میان آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. سایر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

- تفاوتی میان دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر میزان آسیب‌دیدگی روانی وجود ندارد.
- خودکارآمدپنداری شخصی و جمعی دانش‌آموزان دختر به طور معنی‌داری از دانش‌آموزان پسر بالاتر است.
- میان خودکارآمدپنداری شخصی و جمعی رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتیجه به دست آمده بیانگر آن است که هر چه میزان خودکارآمدپنداری در بین دانش‌آموزان زلزله‌زده بم بیشتر باشد، میزان آسیب‌دیدگی روانی آنان کمتر است.

کلمات کلیدی: آسیب‌دیدگی روانی، خودکارآمدپنداری، زلزله بم

مقدمه:

بندورا^۲ (۲) به استناد پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که خودکارآمدپنداری^۳ رابطه مستقیم با عملکرد و رفتار دارد. به اعتقاد بندورا هر چه خودکارآمد پنداری قوی‌تر باشد عملکرد درست‌تر و در سطح بالاتری رخ می‌دهد و خودکارآمدپنداری ضعیف منجر به اختلال در عملکرد می‌شود (۳).

تقریباً همه افراد می‌توانند تشخیص دهند که چه هدف‌هایی را می‌خواهند به انجام رسانند، چه چیزهایی را می‌خواهند تغییر دهند و به چیزهایی می‌خواهند دست یابند. با وجود این، اغلب افراد قبول دارند که به مرحله عمل رساندن این برنامه‌ها کار ساده‌ای نیست. بندورا کشف کرد که خودکارآمد پنداری هر فرد، نقش عمده‌ای در چگونگی رویکرد و نگرش او به هدف‌ها، وظایف و چالش‌ها دارد.

افرادی که دارای حس قوی خود کارآمدپنداری باشند:

- به مسائل چالش برانگیز به صورت مشکلاتی که باید بر آنها غلبه کرد، می‌نگرند.
- علاقه عمیق‌تری به فعالیت‌هایی که در آنها مشارکت دارند نشان می‌دهند.
- تعهد بیشتری نسبت به علایق و فعالیت‌هایشان حس می‌کنند.

- به سرعت بر حس یأس و نومیدی چیره می‌شوند.

کسانی که حس خودکارآمدپنداری ضعیفی داشته باشند:

- از کارهای چالش برانگیز اجتناب می‌کنند.
- عقیده دارند که شرایط و وظایف مشکل، خارج از حد توانایی و قابلیت آنان است.
- بر روی ناکامی‌های شخصی و نتایج منفی تمرکز می‌کنند.
- به سرعت اعتماد خود نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های شخصی‌شان را از دست می‌دهند (۴).

در چارچوب نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا خود کارآمدپنداری به عنوان عامل مؤثر در نیل به اهداف رشد و تحول و سازگاری انسان با محیط توصیف می‌شود. به گفته بندورا چهار منبع عمده برای خود کارآمدپنداری وجود دارد:

- تجربیات موفق «مؤثرترین راه برای رشد یک حس قوی خود کارآمدپنداری، از طریق تجربیات موفق است.» (۴).

انجام موفقیت‌آمیز یک کار، حس خودکارآمدپنداری ما را تقویت می‌کند. از

² Bandura, A

³ Self efficacy belief

سوی دیگر، ناکامی در مواجهه با یک وظیفه یا چالش می‌تواند به تضعیف حس خودکارآمدپنداری منجر گردد.

• مدل‌سازی اجتماعی: مشاهده موفقیت دیگران در انجام یک کار، منبع مهم دیگری برای ایجاد حس خودکارآمدپنداری است.

• ترغیب اجتماعی: بندورا اظهار می‌دارد که افراد از طریق ترغیب و تشویق دیگران نیز می‌توانند متقاعد شوند که دارای مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم برای موفقیت می‌باشند.

• واکنش‌های روانی: واکنش‌های هیجانی و روانی ما نسبت به شرایط و وضعیت‌های مختلف نیز نقش مهمی در خودکارآمدپنداری ایفا می‌کند. خلق و خو، حالت‌های هیجانی، واکنش‌های فیزیکی و سطح استرس، همگی می‌توانند بر چگونگی حس یک فرد نسبت به توانایی‌های شخصی خود در یک وضعیت خاص، تأثیر بگذارند. خودکارآمدپنداری از پایگاه‌های تربیتی مانند خانواده، محیط‌های آموزشی و تربیتی و گروه همسالان تأثیر می‌پذیرد (۵).

خودکارآمدپنداری یکی از متغیرهای مهم روان‌شناختی است که می‌تواند در سلامت روانی فرد تأثیر زیادی داشته باشد. به همین دلیل بر اساس نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی در پی ارزیابی میزان تأثیر و تأثر

خودکارآمدپنداری و آسیب‌دیدگی روانی در افرادی که با بحران جدی‌تر و شرایط مشکل‌زاتر مواجه شده‌اند، تحقیقاتی انجام گرفته است.

تحقیقات میدانی که تاکنون راجع به خودکارآمدپنداری و تأثیر آن در سلامت روانی انجام شده است بیشتر در شرایط عادی و یا به صورت مطالعه موردی صورت گرفته است؛ اما نمونه تحقیق حاضر اولاً به صورت گروهی و میدانی انجام شده و ثانیاً نمونه‌ای انتخاب شده است که با یکی از شدیدترین حوادث و بحران‌ها، یعنی زلزله و از دست دادن خانواده، اقوام و بستگان، مواجه شده‌اند.

افراد نمونه تحقیق حاضر، دانش‌آموزانی هستند که در شهرستان زلزله‌زده بم که ساکنان آن، شاهد از دست دادن بیش از ۴۰ هزار نفر از بستگان، خانواده و همسالان خود بوده‌اند، زندگی می‌کنند. بررسی و ارزیابی میزان آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری و تأثیر و تأثر این دو متغیر بر روی هم در شرایط وصف شده در دانش‌آموزان مذکور، هدف اصلی این تحقیق بوده است.

روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و مقایسه‌ای می‌باشد. اطلاعات و داده‌های تحقیق

مبتنی بر وقایعی است که از قبل اتفاق افتاده است.

مجموع داده‌های نمونه‌های ایرانی ۰/۹۲ و در تحقیق حاضر ۹۰/۸۳ بوده است.

جامعه آماری این تحقیق مجموعه دانش‌آموزان دبیرستانی (اول، دوم و سوم دبیرستان) شهرستان زلزله‌زده بم در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳ بوده است.

در این تحقیق خودکارآمدپنداری جمعی به وسیله خرده آزمون‌های خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک (۷) سنجیده شده است.

روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای سهمیه‌ای بوده و حجم نمونه ۳۵۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر می‌باشند. در این تحقیق از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، واریانس) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، آزمون T مستقل) استفاده شده است.

خودکارآمدپنداری از نظر ایجاد هماهنگی اجتماعی از ۷ گونه تشکیل می‌شود. خودکارآمدپنداری در ایجاد روابط شامل ۶ گونه است.

در این تحقیق از پرسشنامه خودکارآمدپنداری بندورا (۶) و مقیاس حمایتی و خودکارآمدپنداری کیم و پارک (۷) برای ارزیابی خودکارآمدپنداری شخصی و جمعی و از پرسشنامه SCL-90-R دراگوتیس^۴ برای ارزیابی آسیب‌دیدگی روانی استفاده شده است.

برای پاسخگویی به این بخش از پرسشنامه نیز از یک مقیاس ۷ درجه‌ای (نسبتاً کم = ۱ متوسط = ۴ و خیلی زیاد = ۷) استفاده شده است.

پرسشنامه‌ای که بندورا برای سنجش خودکارآمدپنداری ساخته شامل ۴۲ گویه بوده که خودکارآمدپنداری را در ۶ زمینه می‌سنجد. در این پرسشنامه از یک مقیاس هفت درجه‌ای استفاده می‌شود. ضریب آلفا کرونباخ پرسشنامه خودکارآمدپنداری توسط مرتضوی (۵) از

ضریب ثبات مجموع گویه‌های این آزمون از نظر سازمان درونی (آلفای کرونباخ) در پژوهش مرتضوی (۵) ۰/۸۳ و در تحقیق حاضر ۰/۸۱ بوده است.

روایی این ابزار تحقیق (پرسشنامه خودکارآمدپنداری بندورا و خودکارآمدپنداری جمعی کیم و پارک) توسط مرتضوی (۵) از طریق تحلیل عوامل داده‌های ۸۹۵ نفر از دانش‌آموزان مورد تأیید قرار گرفته است.

برای سنجش میزان آسیب‌دیدگی روانی از پرسشنامه SCL-90-R استفاده شده

^۴ Dragotis

اعتبار آزمون SCL-90-R در مطالعات
زیادی نشان داده شده است (۹).

یافته‌ها

در این تحقیق ۳۵۰ نفر دانش‌آموز دبیرستانی مورد آزمون قرار گرفته‌اند که از این تعداد ۱۷۵ نفر (۵۰ درصد) پسر و ۱۷۵ نفر (۵۰ درصد) دختر هستند.

شاخص‌های توصیفی خودکارآمدپنداری و حیطه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر نشان‌دهنده خودکارآمدپنداری بالا در دانش‌آموزان دختر (میانگین ۱۹۹/۸۹) به نسبت دانش‌آموزان پسر با میانگین (۱۸۲/۱۰) است.

شاخص‌های توصیفی خودکارآمدپنداری جمعی و حیطه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر نشان داد که دانش‌آموزان دختر با میانگین ۶۵/۶۵ درصد به نسبت دانش‌آموزان پسر با میانگین ۵۹/۲۸ درصد از خودکارآمدپنداری جمعی بالاتری برخوردارند. شاخص‌های توصیفی آسیب‌دیدگی روانی و حیطه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر نشان داد که در مجموع دانش‌آموزان پسر با میانگین ۱/۴۱ در مقایسه با دانش‌آموزان دختر با میانگین ۱/۴۰ از آسیب‌دیدگی روانی بالاتری برخوردارند. ابعاد ۹ گانه مورد آزمون آسیب‌دیدگی روانی در دانش‌آموزان دختر و پسر در جدول شماره ۱

است. این آزمون شامل ۹۰ سؤال برای ارزشیابی علائم روانی است که ۹ بعد مختلف شکایت جسمانی، وسواس اجباری، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی، روان‌پریشی و سؤالات اضافی را دربرمی‌گیرد. هر یک از گویه‌های پرسشنامه مذکور از یک مقیاس ۵ درجه‌ای تشکیل شده است.

برای محاسبه ثبات درونی آزمون که بر روی ۲۱۹ نفر داوطلب در امریکا به منظور سنجش ثبات و یکنواختی سؤالات انجام گردید از ضرایب آلفا و کودر ریچاردسون ۲۰ استفاده شده است. نتایج ضرایب به‌دست‌آمده برای ۹ بعد پرسشنامه کاملاً رضایت بخش بوده است. بیشترین همبستگی مربوط به افسردگی با ۰/۹۰ و کمترین آنها روان‌پریشی ۰/۷۷ بوده است (۱).

پایایی تست مجدد که ثبات آزمون را در طول زمان می‌سنجد، بر روی ۹۴ نفر بیمار روانی نامتجانس و پس از یک هفته ارزیابی اولیه صورت گرفت. اکثر ضرایب دارای همبستگی بالا بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ بوده است (۸).

ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه SCL-90-R در این تحقیق در ۹ بعد مختلف در مجموع حدوداً ۰/۹۶ بوده است.

درصد واریانس آسیب‌دیدگی روانی می‌تواند ناشی از خودکارآمدپنداری باشد.

یافته‌ها نشان داد، بین خودکارآمدپنداری جمعی و آسیب‌دیدگی روانی همبستگی منفی معنی‌داری ($p < 0/01$) و ($r = -0/150$) وجود دارد. به عبارت دیگر هر قدر خودکارآمدپنداری جمعی بالاتر باشد، میزان آسیب‌دیدگی روانی کمتر است. مقدار ضریب تعیین، حاکی از این است که ۲/۲۵ درصد واریانس آسیب‌دیدگی روانی می‌تواند ناشی از خودکارآمدپنداری جمعی باشد.

آمده است. ضریب همبستگی بین شاخص آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری ($r = 0/133, P = 0/013$) نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار میان دو متغیر می‌باشد.

همچنین بین خودکارآمدپنداری و آسیب‌دیدگی روانی همبستگی منفی معنی‌داری ($p < 0/01$ و $r = -0/133$) وجود دارد. به عبارت دیگر هر قدر خودکارآمدپنداری بالاتر باشد، میزان آسیب‌دیدگی روانی کمتر است. مقدار ضریب تعیین، حاکی از این است که ۱/۷۷

جدول شماره ۱- شاخص‌های توصیفی آسیب‌دیدگی روانی و حیطه‌های آن در پسران و دختران

متغیر	شاخص ها	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
آسیب دیدگی روانی	پسر	۱۷۵	۱/۴۱	۰/۵۸	۰/۴۴	
	دختر	۱۷۵	۱/۴۰	۰/۶۳	۰/۴۸	
پرخاشگری	پسر	۱۷۵	۱/۳۹	۰/۷۰	۰/۵۳	
	دختر	۱۷۵	۱/۳۴	۰/۸۱	۰/۶۱	
اضطراب	پسر	۱۷۵	۱/۳۸	۰/۶۸	۰/۵۲	
	دختر	۱۷۵	۱/۴۳	۰/۸۱	۰/۶۱	
وسواس اجباری	پسر	۱۷۵	۱/۴۷	۰/۷۲	۰/۵۴	
	دختر	۱۷۵	۱/۵۱	۰/۶۸	۰/۵۱	
حساسیت در روابط متقابل	پسر	۱۷۵	۱/۴۴	۰/۷۲	۰/۵۴	
	دختر	۱۷۵	۱/۵۱	۰/۷۵	۰/۵۷	
شکایت جسمانی	پسر	۱۷۵	۱/۳۶	۰/۷۱	۰/۵۴	
	دختر	۱۷۵	۱/۳۲	۰/۷۹	۰/۶۰	
روان پریشی	پسر	۱۷۵	۱/۳۲	۰/۷۱	۰/۵۳	
	دختر	۱۷۵	۱/۱۴	۰/۷۴	۰/۵۶	
افکار پارانوئیدی	پسر	۱۷۵	۱/۵۱	۰/۷۱	۰/۵۳	
	دختر	۱۷۵	۱/۶۵	۰/۸۳	۰/۶۳	
افسردگی	پسر	۱۷۵	۱/۵۱	۰/۶۹	۰/۵۲	
	دختر	۱۷۵	۱/۵۹	۰/۸۱	۰/۶۱	
ترس مرضی	پسر	۱۷۵	۱/۲۲	۰/۶۵	۰/۴۹	
	دختر	۱۷۵	۱/۱۱	۰/۶۷	۰/۵۰	
سوالات اضافی	پسر	۱۷۵	۱/۴۶	۰/۷۳	۰/۵۵	
	دختر	۱۷۵	۱/۴۵	۰/۸۰	۰/۶۰	

حیطه‌های آسیب‌دیدگی روانی

یافته‌ها نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر میزان آسیب‌دیدگی روانی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > 0/05$, $t = 0/25$). به عبارتی هر دو گروه به یک میزان از آسیب‌دیدگی روانی برخوردارند. مقایسه و میانگین نمرات هر دو گروه در شاخص کلی علائم مرضی با نقطه برش $0/4$ حاکی از این است که هر دو گروه به طور معنی‌داری از آسیب‌دیدگی روانی برخوردارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خودکارآمدپنداری شخصی تفاوت معنی‌داری ($p < 0/01$, $t = 4/852$) وجود دارد؛ به طوری که میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر بالاتر از میانگین نمرات دانش‌آموزان پسر است. همچنین معلوم شد بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر خودکارآمدپنداری جمعی تفاوت معنی‌داری ($p < 0/01$, $t = 4/708$) وجود دارد؛ به طوری که میانگین نمرات دانش‌آموزان دختر بالاتر از میانگین نمرات دانش‌آموزان پسر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق این بود که رابطه میان خودکارآمد پنداری و آسیب‌دیدگی روانی را در شرایطی که وضعیت بحران‌زا و سخت تلقی می‌شود مورد ارزیابی قرار دهد. همانطور که اشاره گردید وجود رابطه معنی‌دار میان

خودکارآمدپنداری به عنوان یک متغیر روان‌شناختی واسطه‌ای و مهم و سلامت روانی در پژوهش‌های اعراییان (۱۰) و بندورا (۲) مورد تأکید قرار گرفته است، ولی افراد مورد آزمون در تحقیقات قبلی بیشتر کسانی بودند که در شرایط زندگی طبیعی به سر می‌بردند؛ در صورتی که هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه دو متغیر خودکارآمدپنداری و آسیب‌دیدگی روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان زلزله‌زده بم و در مدت یکسال پس از زلزله می‌باشد که رابطه‌ای قوی میان دو متغیر به دست نیامده است.

از دلایل قوی نبودن رابطه میان دو متغیر می‌توان به شرایط و وضعیت زندگی آزمودنی‌ها پس از زلزله اشاره کرد که در مدارس در حال تحصیل بودند که هنوز از امکاناتی همچون برق، آب و سرویس بهداشتی و... برخوردار نشده بودند و همچنین هنوز با شوک و غم از دست دادن بستگان، خانواده و همسالان دست و پنجه نرم می‌کردند. از طرفی احتمال دارد آسیب شدید و دنباله‌دار موجب کاهش سطح خودکارآمدپنداری در آزمودنی‌ها شده باشد. وجود آسیب‌دیدگی روانی بیشتر، در دانش‌آموزان دختر به نسبت دانش‌آموزان پسر مورد تأیید قرار نگرفت. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های تحقیقات دژکام (۱۱) ناهمخوان و با تحقیقات رافائل (۱۲) همخوان می‌باشد.

تربیتی دختران و پسران و عمل نشدن به گونه‌ای متفاوت در این شیوه‌ها، موجب تقویت باور خودکارآمدپنداری در دختران شده باشد.

پیشنهاده‌ها

به نظر می‌رسد برای بررسی مطلوب‌تر رابطه دو متغیر مورد بررسی این تحقیق (خودکارآمدپنداری شخصی و جمعی و آسیب‌دیدگی روانی) موارد زیر باید مد نظر تحقیقات آتی قرار گیرد:

- ۱- متغیرهای مداخله‌گر در رابطه با آسیب‌دیدگی روانی و خودکارآمدپنداری کنترل و بررسی شوند
- ۲- پرسشنامه‌ها مطابق با فرهنگ و شرایط داخل کشور معیار یابی و ترجمه شوند.
- ۳- پژوهش‌هایی نیز بر روی سایر مقاطع تحصیلی انجام شود.
- ۴- برای غربالگری اختلالات روانی برای دو مقطع سنی از مقیاس‌های مخصوص دوران‌های سنی و استاندارد استفاده می‌شود.

سیاسگزاری

از مسئولان آموزش و پرورش شهرستان بم و مدیران مدارس و نیز معلمینی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

با توجه به وقوع زلزله در سطح شهرستان بم و وجود آسیب جانی، مادی و معنوی تقریباً یکسان، آزمودنی‌های تحقیق تفاوتی در سطح و میزان آسیب‌دیدگی روانی نداشته‌اند. البته گستره سنی آزمودنی‌ها (۱۴ تا ۱۸ سال)، دانش‌آموز بودن آنها و نداشتن مسئولیت مشخص و معین در قبال سایر اعضای خانواده نیز می‌تواند در عدم تفاوت میزان آسیب‌دیدگی روانی نقش داشته باشد.

خودکارآمد پنداری شخصی و جمعی در دانش‌آموزان پسر بالاتر از دانش‌آموزان دختر نیست؛ بلکه برعکس این دانش‌آموزان دختر هستند که خود را از لحاظ خودکارآمدپنداری بالاتر از پسران ارزیابی می‌کنند.

نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های مرتضوی (۵)، احمدیان (۱۳) و خاکسار (۱۴)، همخوان می‌باشد. نتایج به دست آمده با توجه به ناهمخوانی با پژوهش‌های خارجی و نیز همخوانی با پژوهش‌های داخلی، نشان می‌دهد که احتمالاً دلایلی همچون جوان بودن جمعیت کشور، وجود فرصت‌های برابر و بیشتر برای دختران جهت ادامه تحصیل، اشتغال، نداشتن دغدغه‌های مسئولیت زندگی مشترک و... موجب بالا رفتن سطح خودکارآمدپنداری شخصی و جمعی دختران شده است. همچنین احتمال دارد روش‌های

References

1. Deragotis, L. R., Morrow, J. A., Fetting, J. A., Fetting, J., & Hallad, J. (1984). The SCL 90-R,
2. Bandura, A. (1997). "Self-efficacy: The exercise of control". New York: W.H. Freeman.
3. Bandura, A. (2002), "Social cognitive theory in cultural context". Applied Psychology, An International Review, 51: 269-290.
4. Bandura, A (1994), Self-efficacy. IN V, S. Ramachaudram. (ED). Encyclopedia of human behavior. vol .4, pp 71-81
5. Mortazavi Sh. (2004), "Reciprocal Relationship between Self-Efficacy Belief and Support of family, teachers and close friends in associated with life satisfaction" in high school students in Tehran
6. Bandura, A. (1997), Self - efficacy. The exercise of control. New York, Freeman.
7. Kim, A., & Park, I. (2001). "Construction and validation of academic self-efficacy scale". Korean Journal of Educational Psychology, 39(1), 95-123.
8. Natalie Rose Daylami B.A., (2004), University of California, Davis
9. Deragotis L.R, Cleary P. (1977), "Confirmation of the dimensional structure of the SCL-90": A study in construct validation of clinical psychology, 33, 981-989.
10. Arabian A. (2004), "the study of self-efficacy on mental health and academic success of university students", MA thesis, Shahid Beheshti University
11. Dejkam M. Sohanian, M. (1995), "the study of PTSD and depression in survivors of Affected Gilan after earthquake". The first Seminar on stress and mental illness, pp 63-71
12. Raphael, Beverley. (1993), "When a disaster strikes". Translation by Talebi Nejad, M. and Kalantari, M., Vol.1, 1st Edition. Amir Kabir Publication, Isfahan
13. Ahmadian, T. (2005), "Study of the relationship between creativity and self-efficacy belief in high school students, MA thesis, Shahid Beheshti University
14. Khaksar, M.A, (2005), "the study of the relationship between learning styles, self-efficacy belief and training course in high school students," MA thesis, Shahid Beheshti University